

تشان

شماره ۴۶

سال هشتم دسامبر ۲۰۰۷

تشان

مجله شبان

مؤسسه "تعلیم" تقدیم می‌کند TALIM Ministries

شماره ۴۶، سال هشتم، دسامبر ۲۰۰۷

مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین به‌منظور تشویق و تعلیم و تجهیز ایشان

فهرست مطالب

- کلیسای خانگی: الگوهای کتاب‌مقدس برای تشکیل کلیسای خانگی (دنباله)
بخش سوم: (تت استیوآرت)
- ارمیاء، اعتراضی از جنس عشق! (میشل آقامالیان)
- آشنایی با فرقه‌های مسیحیت
بخش نهم: نهضت‌های کریزماتیک و کلیساهای غیرفرقه‌ای
(آرمان رُشدی)
- مسیح مشاور نیک
بخش سوم: مشورت مسیح به افراد ترسان (تت استیوآرت)
- "کلام خدا برای همه": به‌مناسبت انتشار کتاب‌مقدس "مژده برای عصر جدید"
(ناهد سپهری)

کلیسای خانگی

بخش سوم: الگوهای کتاب مقدس برای ایجاد کلیسای خانگی (دنباله) از کشیش تَت استیوارت

به هنگام نوشتن این مجموعه خاص، پی بردم که بسیاری از کسانی که در کلیساهای خانگی خدمت می‌کنند، و حتی رهبرانی برای این کلیساها تربیت می‌کنند، وقت زیادی صرف مطالعه الگوهای کتاب مقدس برای این نوع کلیساها در عهد جدید نکرده‌اند. برخی نیز حتی از این ناآگاهی خود دفاع کرده، می‌گویند که این روش دیگر برای قرن بیستم و یکم معتبر نیست. اما اکنون که شما را با الگوهای کلیساهای خانگی در عهد جدید آشنا می‌سازم، عمیقاً متقاعدم که کتاب مقدس رهنمودهای لازم را برای دریافت برکات الهی در اختیار ما قرار می‌دهد. خدمت ممکن است بر حکمت دنیوی استوار باشد و شاید هم برای مدتی موفقیت‌آمیز به نظر برسد، اما در بلند مدت، آن خانه‌هایی که بر شن بنا شده‌اند، در اثر طوفان فرو خواهند ریخت؛ اما خانه‌هایی که بر صخره حقایق الهی بنا شده‌اند، استوار خواهند ایستاد.

در شماره گذشته، بررسی خود را در زمینه روشهای گوناگون تأسیس کلیساهای خانگی در عهد جدید آغاز کردیم و به کلیساهای اورشلیم و انطاکیه پرداختیم. اینک به بررسی الگوهای دیگر خواهیم پرداخت.

الگوی افسس

پولس رسول در واپسین سالهای خدمت خود، به افسس سفر کرد. او تا پیش از این، هفت کلیسا را در دوره‌ای بالغ بر هفت سال تأسیس کرده بود. او اکنون در این زمینه بسیار باتجربه شده بود، و آنچه در افسس انجام داد، با آنچه در شهرهای دیگر انجام داده بود، کاملاً تفاوت داشت: او مرکزی برای آموزش احداث کرد که در آن می‌توانست افرادی را تربیت کند تا پیام انجیل را به شهرهای دیگر ببرند و کلیسا دایر کنند. او محلی به نام "مدرسه طیرانوس" را برای برگزاری جلسات خود اجاره کرد و در آن به مدت دو سال به آموزش پرداخت و افرادی را نظیر تیطس، تیموتائوس، و غایس تربیت کرد. یکی از دانشجویان پولس در این مدرسه، شخصی بود به نام ایفراس که گویا در افسس توسط پولس بسوی مسیح هدایت شده بود. ایفراس با آموزشی که دیده بود، کلیساهایی در کولسیان (کولسیان ۱: ۷)، لائودیکیه و هی‌یراپولیس (کولسیان ۴: ۱۲-۱۳) تأسیس کرد. پولس در مجموع شخصاً هشت نفر را آموزش داد که تبدیل شدند به بنیانگذاران موفق کلیسا. از این روش پولس جهت تأسیس کلیسا چه درسهایی می‌توان آموخت؟

● پولس دو سال بر زندگی هشت نفر سرمایه‌گذاری کرد و ایشان را در خداترسی فردی، اصول اعتقادات و روشهای خدمت تربیت نمود. پولس با این اصل آشنا بود که باید "چیزی را تعلیم دهیم که می‌دانیم، اما چیزی را تولید کنیم که هستیم!" او مشتاق بود که کلیساهای خانگی از رهبرانی بالغ برخوردار باشند.

● خدمت پولس از نظر مالی متکی به خودش بود؛ او برای تأمین هزینه‌های خود به جایی وابسته نبود. وقتی افسس را ترک می‌کرد، چنین اظهار داشت: "خود می‌دانید که همین دستها در رفع احتیاج خود و رفقایم خدمت می‌کرد" (اعمال ۲۰:۳۴). خدمت کلیسای خانگی زمانی بیشترین موفقیت را به‌دست می‌آورد که از بیرون مورد حمایت مالی قرار نگیرد، بلکه برای تأمین نیازهای خود و اعضای گروه، راههای دیگری بیابد.

سرمایه‌گذاری پولس برای دیگران به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز برای پیشرفت انجیل در قرن اول سودمند واقع شد. دکتر اف. اف. بروس، محقق برجسته عهدجدید، معتقد است که شاگردان پولس، علی‌الخصوص اِپُراس بودند که در ایالت آسیا (ناحیه غربی ترکیه امروز) بشارت دادند؛ او می‌نویسد: "شاید آن هفت کلیسا در آسیا که در کتاب مکاشفه یوحنا ذکر شده‌اند، همگی در همین زمان بنیان گذاشته شده باشند."

الگوی روم

کلیسای روم آن کلیسایی بود که پولس آرزو داشت از آن دیدار کند و به همین کلیسا بود که مهم‌ترین اثر الهیاتی خود را نوشت. همیشه برای محققین سؤال بوده که چگونه پولس این تعداد زیاد از اعضای کلیسای روم را شخصاً می‌شناخت؛ این نکته را از نامهایی که در فصل ۱۶ رساله به رومیان ذکر شده، مشاهده می‌کنیم. پاسخ این سؤال را در چهارمین الگوی تأسیس کلیسا در عهدجدید می‌یابیم. در آن حال که کلیسای اورشلیم گروههایی از اعضای خود را به شهرهای دیگر می‌فرستاد تا حیات کلیسایی را در آنها مستقر سازند، کلیسای روم متشکل از افرادی بود که از کلیساهای متفاوت بسیاری گرد آمده بودند تا کلیسایی جدید به‌وجود بیاورند. در اینجا روش خلاق دیگری را مشاهده می‌کنیم؛ به این ترتیب که روح‌القدس ایماندارانی را از کلیساهای مختلف گرد آورد تا کلیسایی جدید به‌وجود بیاورد؛ این ایمانداران می‌توانستند از این راه، در محلی جدید با یکدیگر برای جلال خدا همکاری کنند. در فصل ۱۶ رساله به رومیان، می‌بینیم که پولس به بیش از بیست و شش نفر که شخصاً می‌شناخت سلام می‌رساند. این افراد همگی از کلیساهایی آمده بودند که او خودش تأسیس کرده بود. طبق پاره‌ای شواهد، پولس این افراد را از کلیساهای مختلف به روم فرستاده بود، با این هدف مشخص که کلیسای جدیدی بنیان بگذارند، زیرا این افراد عملاً در طول سه سال پیش از نگارش این رساله، به روم رسیده بودند. پولس، هم مسیحیان یهودی‌نژاد و هم غیریهودی را به روم فرستاده بود تا کلیسایی میان‌فرهنگی تشکیل دهد؛ به این ترتیب، ایشان می‌توانستند به مردم چندملیتی این شهر بشارت دهند. سپس رساله‌ای نیز به ایشان نوشت تا تشویقشان کند که حقیقت را با قوت روح‌القدس تعلیم دهند. به این طریق، او نوایمانان را آماده می‌ساخت تا همان احترامی را برای رسالت او قائل شوند که دوستانش قائل بودند.

از این الگو درسهای زیرا را برای کلیساهای خانگی خود در این زمان می‌آموزیم.

● آماده دریافت هدایت خلاق روح القدس باشید. با مطالعه دقیق کتاب اعمال رسولان، پی می‌بریم که این کتاب در واقع شرح اعمال روح القدس است، نه رسولان. رسالت ایشان در تأسیس کلیساها در واقع نتیجه هدایت مستقیم روح القدس بود. نمونه‌ای از این امر را در دعوت پولس به مقدونیه مشاهده می‌کنیم (اعمال ۹: ۱۶-۱۰). ایشان می‌دانستند که این روح القدس است که جامعه‌ای راستین تشکیل می‌دهد و ایشان را قوت می‌بخشد تا به شباهت مسیح زندگی کنند.

● بکوشید گروه‌هایی برای خدمت تشکیل دهید. خداوند عیسی شاگردان خود را در گروه‌های دو نفری می‌فرستاد (مرقس ۶: ۷)؛ پطرس و یوحنا در کنار یکدیگر خدمت می‌کردند (اعمال ۳: ۱) و پولس و برنابا نیز در امر خدمت با یکدیگر همکار بودند (اعمال ۱۳-۱۵). برای تشکیل چنین گروه‌هایی، باید دعا کنید و افراد را برای امر رهبری تربیت نمایید.

● به کسانی که شما را فرستاده‌اند، پاسخگو بمانید. بنیانگذاران کلیسای اولیه به آنانی که ایشان را می‌فرستادند و مورد حمایت قرار می‌دادند، پاسخگو باقی می‌ماندند. پولس به انطاکیه باز می‌گشت تا گزارش دهد؛ پطرس نیز همین کار را با کلیسای اورشلیم انجام می‌داد.

● بیاموزید که برای خدمت خود در کلیسای خانگی، خطمشی‌های مناسب اتخاذ کنید. پولس متقاعد بود که باید توجه خود را بر مناطق شهری متمرکز سازد، چون معتقد بود که هر جا تعداد مردم زیاد باشد، پیام انجیل به شکل خودجوش اشاعه می‌یابد. کلیساهای خانگی جدید در شهرهای جدید معمولاً مؤثرترین وسیله برای گسترش پیام انجیل می‌باشند.

در شماره آینده، در باره خصوصیات اساسی کلیسای خانگی بر اساس کتاب مقدس بحث خواهیم کرد.

ارمیا

اعتراضی از جنس عشق!

نوشته میشل آقامالیان

هر بار که به سراغ کتاب‌های انبیاء در عهدعتیق می‌روم، با ژرفا و عمقی تازه روبرو می‌شوم. انگار هر بار دریچه‌ای نو به روی پیام و محتوای کتاب گشوده می‌شود و حقیقتی نو از این کتاب‌های کهن بیرون می‌جهد، انگیزه‌ای می‌دهد، اندیشه‌ای می‌آفریند و به تصمیمی می‌انجامد — این بار به سراغ کتاب ارمیا رفته بودم! البته، ناگفته نماند که نیل به این بصیرت‌های نو را از سویی نیز مدیون مفسران و نویسندگانی هستم که نامشان در پی‌نوشت مقاله آمده است.

تسلی راستین — انهدام پیش از بنا

چنان‌که می‌دانیم دوران فرّ و شکوه پادشاهی یکپارچه اسرائیل که در زمان داوود و فرزندش سلیمان به اوج خود رسیده بوده، رو به زوال می‌گذارد و سرانجام در ۹۳۱ ق.م این پادشاهی یکپارچه به دو حکومت شمالی و جنوبی منقسم می‌گردد. مرکز حکومت شمالی سامره بود و مرکز حکومت جنوبی اورشلیم، جایی که معبد ساخته سلیمان برپا بود و پادشاهانی از خاندان داوود حکومت می‌کردند. ارمیا دعوت خود را در ۶۲۵ ق.م و در زمان آخرین پادشاهان یهودا، یعنی حکومت جنوبی، دریافت داشت و مدتی نیز پس از سقوط اورشلیم در ۵۸۷ ق.م، به خدمت خود در آن سامان ادامه داد.^۱ البته، تاریخ سقوط حکومت جنوبی را ۵۸۶ ق.م و برخی نیز ۵۹۷ ق.م تعیین کرده‌اند که چون ربطی به بحث ما در این مقاله ندارد، از پرداختن به آن صرف‌نظر می‌کنیم.

موقعیتی که ارمیا به خدمت در آن فراخوانده شد، بسیار یأس‌آمیز و تلخ و تیره بود. داوری خدا همچون ابرهایی تیره، روز به روز بر فراز اورشلیم انبوه‌تر می‌شد و همچنان که در زیر این ابرهای تیره‌فام، آخرین بارقه‌های امید فرو می‌خفت، ارمیا مأموریت داشت داوری قریب‌الوقوع خدا را اعلام دارد. بر اثر این داوری، هر آنچه هویت قوم یهود را رقم می‌زد، سرزمین، معبد و حکومت پادشاهانی از خاندان داوود، همگی از دست می‌رفت. با این وصف، مخاطبان ارمیا، مردمانی پذیرا و راغب به شنیدن حقیقت و آماده برای تغییر نبودند، بلکه او با مردمی سر و کار داشت که هم خود و هم بزرگان‌شان و حتی انبیایشان، موضع انکار حقیقت را در پیش گرفته بودند و امر بگونه‌ای بر آنان مشتبه شده بود که می‌پنداشتند برآستی خطری تهدیدشان نمی‌کند و در امن و امانند. این که

^۱ Abraham J. Heschel, The Prophets (Peabody, Massachusetts : Prince Press, 2000), 103

آنان در سرزمین موعود و در شهری سکونت داشتند که معبد خدا در آن بود و تحت حاکمیت پادشاهی می‌زیستند که نَسَب به داوود می‌برد — دست به دست هم داده و احساس امنیتی کاذب در آنان ایجاد کرده بود.

تسلایی کاذب!

ارمیا این وظیفه سنگین را بر دوش داشت که نخست، پیش از آنکه بعداً بتواند از تسلی سخن گوید، این ابر خیال را پراکنده سازد، این امنیت کاذب را بر هم زند و این خواب خطرناک را بر آشوبد. ارمیا تا وجدان‌های خفته را بر نمی‌آشفته، تا از سرنوشت محتوم قوم، از ویرانی و اضمحلال سخن نمی‌گفت، نمی‌توانست نویدبخش احیاء و تسلی باشد. او زمانی می‌توانست ”بنا نماید و غرس کند“ که نخست ”از ریشه برکنده و منهدم ساخته و خراب کرده باشد“ (۱۰ : ۱).^۲ در پیام نبی، بازتاب این خصلت کتابمقدس را می‌توان دید که چون معضل و درد انسان را با تمام ابعادش و با تمام عمقش می‌بیند، نه کم و نه بیش، می‌تواند تسلایی متناسب و واقعی نیز ارائه دهد. تسلایی که بر مبنای درک و ارزیابی درستی از مشکل قرار ندارد، هیچ‌گاه برای انسان سودمند نیست، زیرا چند صباحی به او آرامش کاذب می‌دهد، آرامشی که اساس بر واقعیت ندارد و شکننده است. چنین آرامشی به فروبردن سر به زیر برف می‌ماند، به پاک کردن صورت مسئله، به تزریق مورفین به بیمار محتضر. چنین آرامشی از آن رو مطلوب و خواستنی است که انسان تاب واقعیت تلخ و هراس‌آور و تیره را ندارد. چنین تسلایی کاخی شنی می‌سازد، بی‌ارتباط با واقعیت است و بی‌تاب در برابر توفان سهمگین نتایج انکار.

کلیسا و پیامی مشابه

امروز نیز کلیسا همچنان که رحمت و محبت و فیض و بخشایش الهی را اعلام می‌کند، نباید از اشاره به سقوط انسان و مصائب بی‌خدایی او غافل شود. کلیسا باید دلیرانه اعلام کند که اگر بشر به جای توجه به معیارهای الهی، از فلسفه‌ها و دیدگاه‌هایی پیروی کند که خدا و ارزش‌های متعالی الهی را به سُخره می‌گیرند، یا از صحنه زندگی هر روزه انسان بیرون می‌رانند، بطور حتم انسانیت‌زدایی خواهد شد و به مرتبه حیوانیت سقوط خواهد کرد. کافی است نگاهی بیندازیم به نقاط ظلمت‌خیز جهان امروز. کافی است نگاهی بیندازیم به نوع موضوعاتی که برخی فیلم‌ها و رمان‌ها دستمایه قرار می‌دهند. کافی است نگاهی بیندازیم به نوع تفریحاتی که عده‌ای حاضرند خروارها پول صرف آنها سازند. آیا شاهد انسانیت‌زدایی نیستیم؟

عواطف ارمیا

این رسالت باری گران بر شانه ارمیاست، چه پیام او با خصوصیات شخصیتی و عاطفی نبی، همخوان نیست. قلب او آکنده از مهر به هم‌نژادانش است، اما باید از غضب الهی پیام دهد؛ بر همان لبانی که در حال شفاعت

² Abraham J. Heschel, The Prophets (Peabody, Massachusetts : Prince Press, 2000), 122

برای قوم است، باید پیام داوری و ویرانی جاری گردد. از همین رو، خدا برای آنکه ارمیاء را در اعلام پیام تکان‌دهنده‌اش، در برابر حمله‌ها و طعنه‌ها و توطئه‌های دیگران مقاوم سازد، به یکباره وی را به چیزی در تضاد کامل با خویشتن معمولش تبدیل می‌سازد: «زیرا اینک من تو را امروز شهر حصاردار و ستون آهنین و حصارهای برنجین به ضدّ تمامی زمین برای پادشاهان یهودا و سروران و کاهنان و قوم زمین ساختم» (۱: ۱۸). اما اگرچه تا آنجا که به اعلام پیام الهی مربوط است، ارمیاء به برج و بارو و حصاری آهنین تبدیل می‌شود، قلب پراحساسی که در سینه‌اش می‌تپد، از دورنمای ویرانی و داوری و سرنوشت قوم و نیز از گردنکشی و عصیان آنان به درد می‌آید و آکنده از اندوهی گران می‌شود.^۳ اما چنین احساسی ارمیاء را از بازگفتن حقیقت باز نمی‌دارد. چنین نیست که ارمیاء زمانی که تسلائی نیست، دم از بهروزی و صلح و آرامش بزند. اما شگفتا، درست زمانی که قلب ارمیاء از آه و اندوه پر می‌شود، درست زمانی که ذره ذره وجود او در کام افسردگی و ماتم برای قومش پیچیده می‌شود، همان قوم گردنکشی که حاضر به توبه از عصیان و خامخیالی‌های خود نیست، درست در همان لحظه است که احساسات ارمیاء و خدا همسو می‌شوند؛ تو گویی خدا با قلب ارمیاء احساس می‌کند و درد خدا از جزء جزء وجود ارمیاء بازتابیده می‌شود، دردی آمیزه عشق و خشم‌گرفتن بر گناه و بی‌عدالتی. این عشق بی‌مایه نیست؛ اساس بر عدالت دارد، بر دوست داشتن راستی. خدا عواطف عمیق خود را نسبت به قوم هم‌عهد خود از طریق ارمیاء جلوه‌گر می‌سازد. هنگامی که کتاب ارمیاء را می‌خوانیم، گاه متوجه نمی‌شویم که آیا گوینده کلماتی که ارمیاء بیان می‌دارد، خود اوست یا خدا. بهترین مثال این امر در ۸: ۲۲ - ۹: ۳ به چشم می‌خورد. با خواندن این قسمت، در وهله اول فکر می‌کنیم که این ارمیاست که برای قوم خود ناله و ماتم می‌کند و می‌خواهد به گوشه‌ای، به خلوت‌گاهی برود و بر گناهان و سرنوشت غم‌بارشان بگریزد (۹: ۲). تصویر سر نهادن به بیابان نمی‌تواند جز در مورد ارمیاء صادق باشد. اما در پایان ۹: ۳ متوجه می‌شویم که کل این قسمت بازگفت و بازتاب عواطف خدا بوده است و نه ارمیا! این تناقض نیست، بلکه گویای این واقعیت است که در وفاداری ارمیاء و در رنج‌های او، خدا گوشه‌ای از احساسات خود را ظاهر می‌سازد.

در اینجا شباهتی میان ارمیاء و خادم رنج‌دیده مذکور در کتاب اشعیا ۵۳ مشاهده می‌کنیم. حتی تسامحاً می‌توان گفت که این تصویر، سایه‌ای است از “تجسم”، اگرچه تجسم خدا در مسیح، واقعه‌ای یگانه و بی‌نظیر در تاریخ بود، رویدادی که نه سابقه داشت و نه تکرارپذیر است.^۴ جالب است که تصویری مشابه را در عهدجدید و در جایی مشاهده می‌کنیم که پولس در باب ۸ رساله رومیان، تصویری مشابه از رنج و انتظار خلقت (۱۹ - ۲۲) و رنج و انتظار کلیسا ترسیم می‌کند (۲۳ - ۲۵). پولس عمداً این دو تصویر را در ارتباط با یکدیگر تفسیر می‌کند. به این ترتیب، با توجه به آنچه وی در ۸: ۱۷ گفته است، می‌خواهد چنین نتیجه‌گیری کند که وظیفه حاضر کلیسا آن است که در رنج‌های مسیح شریک شود - و بدین‌سان در رنج‌ها و دردهای دنیا شریک گردد. از این رو، همان‌گونه که مسیح بر روی صلیب، گناه و رنج و درد جهان را بر خود گرفت و صلیب مایه نجات و شفا و امید انسان گردید،

³ Abraham J. Heschel, *The Prophets* (Peabody, Massachusetts : Prince Press, 2000), 123

⁴ G McConville, *Exploring the Old Testaments, vol 1: Prophets* (London: SPCK, 2002), 67- 68

کلیسا نیز باید جایی باشد که گناه و درد رنج پیرامونش را بر خود می‌گیرد و شفای الاهی را جاری می‌سازد و در شامگاه درد و نگون‌بختی انسان، دمیدن سپیده و برآمدن صبح را نوید می‌دهد. بدین سان، درست زمانی که خادمان خدا و کلیسای او، زیر بار رنجی که در جهان می‌کشند، احساس طردشدگی و ترک شدن می‌کنند، همچون مسیح بر فراز صلیب، همان موقع در رنجهای مسیح شریک می‌گردند و برخلاف اینکه فکر می‌کنند فراموش و طرد شده‌اند، همانجاست که حضور الاهی را تجربه می‌کنند.^۵ بدین سان، کلیسا ظرف و ابزاری می‌شود تا خدا همدلی و همدردی خود را با جهان نشان دهد و در همان حال، شفا و نجات خویش را در مسیحی که کلیسا اعلام می‌دارد و در خدمتی که کلیسا به نام و به قدرت او می‌کند، جاری سازد.

“پس خدا کجاست؟”

آنچه آمد، بیاناتی شاعرانه و پراحساس نبود، بلکه نتایجی عملی بر آن مترتب است. اغلب زمانی که با درد و رنج دیگران روبرو می‌شویم، به گاه رویارویی با دردمندی و جورکشی و فقر انسان‌ها، قلب‌مان به درد می‌آید و دستخوش خشم می‌شویم و می‌پرسیم، پس خدا کجاست؟ پس چرا خدا کاری نمی‌کند؟ آیا خدا نسبت به این انسان‌ها بی‌اعتناست؟

اخیراً فیلمی را تماشا می‌کردم که صحنه آن در آفریقا می‌گذشت. یک خبرنگار به خطه‌ای ناآرام از آفریقا آمده بود که جنگ‌های سبعانه قبیله‌ای در آن شعله‌ور بود و سربازان از بچه‌های کم سن و سال برای مقاصد نظامی خود استفاده می‌کردند. خبرنگار در گفتگوی غیررسمی خود با یکی از بومیان، همچنان‌که قطرات گرم اشک از گونه‌هایش فرو می‌لغزیدند، تأثرات خود را از دیده‌ها و شنیده‌هایش در آن چند روز بیان می‌داشت. وی در جایی از سخنانش گفت: «نمی‌دانم، چرا خدا کاری برای این افراد نمی‌کند؟». فرد بومی پاسخ گفت: «من هم زمانی به این سؤال فکر می‌کردم، ولی اکنون به این نتیجه رسیده‌ام که خدا دیریست که این دیار را ترک گفته است.» با توجه به آنچه آمد، به این سؤال می‌توان پاسخ گفت که چه بسا خدا عواطف خود و شفا و پاسخ خود را در افرادی به ظهور می‌رساند که مانند این خبرنگار از دیدن آن همه وحشی‌گری و رنج متأثر می‌شوند!

نویسنده نامداری به نام برایان مک‌لارن گفتگویی مشابه را مطرح می‌سازد و نکات بسیار جالبی را می‌گوید که تناسب بسیاری با بحث ما دارد. وی می‌نویسد: «دوستی دارم که از رویدادهای ناگوار تاریخ — قساوت‌های هیتلر، پُل پُت، طاعون و غیره — سخت برآشفته است. دوستم چنین نتیجه‌گیری می‌کند: اگر خدا وجود دارد، پس حتماً موجودی سرد و بی‌اعتنا و بی‌احساس است و دلی از سنگ دارد. از دوست خود می‌خواهم یک روز بپرسم: آیا رحم و شفقت او و خشم و برافروختگی‌اش نمی‌تواند بازتابی از دل‌نگرانی و توجه خود خدا به این مسایل باشد؟... شاید به این سؤال که "وقتی هولوکاست اتفاق افتاد، خدا کجا بود؟"، تا حدی بتوان چنین پاسخ داد: **خدا در تمام کسانی بود و هست که دل‌شان به رحم آمد و بر عاملان این جنایات خشم گرفتند.** اگر در این رویدادهای تلخ، نه کسی رحم و شفقتی نشان می‌داد و نه به خشم می‌آمد، آنگاه حق داشتیم به خدایی بی‌احساس معتقد باشیم. شاید در

⁵ NT Wright, The Crown And The Fire (Grand Rapids, Michigan: Eerdmans:1995) 87-94

پاسخ به سؤال فوق بتوان فراتر رفت و گفت: خدا در تمام آنانی بود که شکنجه می‌شدند، مورد بدرفتاری قرار می‌گرفتند و به قتل می‌رسیدند - خدا با آنان رنج می‌برد و می‌مرد... چه بسا بهترین پاسخ ما این باشد که به جای یافتن توضیحات عقلی و منطقی برای مصائب جهان، دل بر نگون‌بختی انسان‌ها بسوزانیم، به خشم آیم و این احساسات ما را به عمل وادارند. گاه خدا را در چهره‌های دلسوز کسانی می‌بینیم که در فکر رنج‌دیدگان‌اند. گاه خدا را در چهره‌های دردمند کسانی می‌بینیم که خود، در رنج و سختی‌اند. عیسی به همین تجربه اشاره داشت زمانی که مثل خود را درباره برهنگان و بی‌خانمان‌ها، تهیدستان، مجرمان در بند و بیماران زمین‌گیری باز گفت که پیروانش به دیدارشان رفته بودند. خطاب به کسانی که به روش‌های گوناگون به همسایگان نیازمند خود رحم و شفقت نشان داده بودند، خدا می‌گوید: «هر کاری که برای یکی از کوچکترین این اشخاص کردید، برای من کرده‌اید.» به بیان دیگر، هرگاه رحم و شفقت نشان می‌دهیم، می‌توانیم حضور خدا را در درون‌مان تجربه کنیم.^۶

کلیسای و رویارویی با رنج

فیودور داستایفسکی در شاهکار خود، جنایت و مکافات، در قالب گفتگویی میان شخصیت‌های اصلی داستان، به نکته بسیار جالبی اشاره می‌کند. گفتگو میان راسکلنیک، جوانی که دو زن سالخورده را به قتل رسانده و سونیا، دختر جوان نیک‌سرشتی است که برخلاف میل خود و برای سیر کردن شکم خانواده‌اش بالاجبار تن به خودفروشی داده است. اجازه دهید عین گفتگو را از کتاب نقل کنم:

«پنج دقیقه گذشت. راسکلنیک بدون اینکه به سونیا بنگرد همچنان در اتاق راه می‌رفت. سرانجام به او نزدیک شد؛ چشمانش می‌درخشید، با دو دست شانه‌هایش را گرفت و مستقیماً به چهره گریانش نگریست. نگاه راسکلنیک خشک و ملتهب و تیز بود و لبانش سخت می‌پرید... ناگهان بسرعت تمام بدنش خم شد و در حالی که بر زمین افتاد پاهای سونیا را بوسه زد. سونیا با وحشت، چنان‌که گوئی از دیوانه‌ای دوری کند، کنار جست. واقعاً هم راسکلنیک به نظر کاملاً دیوانه می‌آمد. دختر با رنگی پریده، در حالی که قلبش بهم فشرده می‌شد، زمزمه کرد: - شما را چه می‌شود؟ چه می‌کنید، در مقابل من... راسکلنیک فوراً برخاست و در حالی که به سوی پنجره می‌رفت بالحن خاصی گفت: - من در برابر تو زانو نزدم، در برابر تمام رنج و عذاب بشری زانو زدم...»^۷

می‌خواهم این جمله را از داستایفسکی وام بگیرم و بگویم، کلیسا به هر فرد نیازمند و دردمندی که کمک می‌کند، کلیسا به هر اجتماع نگون‌بختی که یاری می‌رساند، در هر آهی که از سینه بر می‌آورد و در هر عمل نمادینی که برای ایجاد شادی در انسان‌ها انجام می‌دهد، در ورای این افراد با مسئله رنج روبرو می‌شود و به آن پاسخ می‌گوید!

گذشتن از حد!

^۶ Brian McLaren, Finding Faith (Grand Rapids: Zondervan: 1999), 183- 184

^۷ فیودور داستایفسکی، جنایات و مکافات، ترجمه مهری آهی (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی)، ۴۷۵- ۴۷۶

گاه عواطف ارمیاء و همدلی او با خدا به چنان اوجی می‌رسد که به افراط کشیده می‌شود، چنان‌که خدا به میان می‌آید و به ارمیاء یادآوری می‌کند که غضب او برای هلاک ساختن و نابودی قوم نیست، بلکه برای تطهیر و اصلاح آنان. ارمیاء در خشم و خروش خود گفته بود: «ای خداوند تو این را می‌دانی پس مرا به یاد آورده، از من تفقد نما و انتقام مرا از ستمکارانم بگیر و به دیرغضبی خویش مرا تلف منما و بدان که به خاطر تو رسوایی را کشیده‌ام.» (ارمیاء ۱۵: ۱۵). خدا در پاسخ به ارمیاء - این توبه‌فرمای دل‌شکسته - می‌گوید که باید خود توبه کند: «اگر بازگشت نمایی من بار دیگر تو را به حضور خود قایم خواهم ساخت و اگر نفایس را از رذایل بیرون کنی، آنگاه تو مثل دهان من خواهی بود و ایشان نزد تو خواهند برگشت و تو نزد ایشان بازگشت خواهی نمود. و من تو را برای این قوم دیوار برنجین حصاردار خواهم ساخت و با تو جنگ خواهند نمود، اما بر تو غالب نخواهند آمد» (ارمیاء ۱۵: ۱۹-۲۰).^۸

چه بسیار پیش آمده که مشکلی مشابه گریبان‌گیر خادمان خدا شود. شکیبایی و تحمل خدا همواره بیش از خدامانش است. لازم است تا خدا برای اصلاح و تعدیل احساسات ما نیز وارد عمل شود. چه بسیار دفعات پیش آمده که خادمان خدا کاسه داغ‌تر از آتش شده‌اند و به قول معروف قرار بوده است کلاه بیاورند، رفته‌اند و کلاه را با گله آورده‌اند! مثال‌هایی از این دست را چه در عهدجدید می‌توان سراغ کرد و چه در زندگی روزمره و کلیسایی افراد. یعقوب و یوحنا می‌خواهند آتش بر سامره ببارد و به مجازات بی‌ایمانی ساکنانش، آن را نابود سازد، اما مسیح به جای توبیخ و تنبیه سامره، یعقوب و یوحنا را عتاب و خطاب می‌کند! پطرس عصبانی و برافروخته، شمشیر از نیام می‌کشد و گوش غلام کاهن اعظم را قطع می‌کند. مسیح مجبور می‌شود با جاری ساختن شفای خود، دردی را که پطرس به خاطر افراطگری‌اش ایجاد کرده، درمان کند.

گاه مرز میان احساسات الهی که از طریق ما بروز می‌یابد و احساسات خودمان بسیار باریک می‌گردد. از این رو، لازم است که ما نیز در دعا و از طریق تفتیش خود و عقایدمان زیر نور کلام خدا و هدایت روح خدا، افراطگری‌های خود را تعدیل کنیم و از روح‌القدس بخواهیم که دردهایی را که غیرت ما در دیگران ایجاد کرده است، درمان کند و بر احساسات ما لگام زند!

پیام کلیسا: دوران تبعید به سر آمده!

در آخر لازم می‌دانم نکته‌ای را تذکر دهم. اگرچه از نکات بسیاری در زندگی و در پیام ارمیاء می‌توان درس گرفت، اما پیام امروز کلیسا برای جهان، با پیام ارمیاء، تفاوتی بنیادین دارد. اگرچه، هنوز کلیسا در نقش نبوتی خود باید پندارهای جهان را برآشوبد و بر ضد تکبر و بت‌پرستی و بی‌عدالتی و کینه‌کشی و برادرکشی و اعمال غیرانسانی آن سخن گوید و به ارکان امنیت کاذب آن بتازد، اما پیام امروز کلیسا این است که دوران تبعید به سر آمده! مسیح است آنکه به تبعید رفت، مسیح است آنکه مجازات و بار گناه اسرائیل و جهان را بر خود گرفت تا بخشایش انسان و بازگشت او را میسر سازد. مسیح در زندگی و تعالیم خود، چه در کلام و چه با اعمال نمادینی

^۸ Abraham J. Heschel, The Prophets (Peabody, Massachusetts : Prince Press, 2000), 126- 127

که انجام می‌داد، این نوید را برای هم‌روزگاران خود داشت که دوران تبعید آنان به سر آمده و در او، خدا به ملاقات قوم خود، احیاء و بخشیدن خطایای آنان آمده است. خدا آمده تا عهدی نو با قوم خود و با کل بشریت برقرار سازد و شریعتی نو بر قلب‌های آنان بنویسد. آنچه قوم خدا باید می‌بود و انجام می‌داد و هرگز نتوانست و نمی‌توانست، خدا در مسیح به انجام رسانیده است.

این پیام، تشکیل‌دهنده قسمت تسلی‌بخش کتاب ارمیاء است یعنی ۳۰: ۱-۳۳: ۲۶ «و یهوه صباوت می‌گوید: «هر آینه در آن روز یوغ او را از گردنت خواهم شکست و بندهای تو را خواهم گسیخت. و غریبان بار دیگر او را بنده خود نخواهند ساخت و ایشان خدای خود یهوه و پادشاه خویش داوود را که برای ایشان بر می‌انگیزانم خدمت خواهند کرد...» جمیع ایشان از خُرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، چونکه عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد... در آن ایام و در آن زمان شاخه عدالت برای داوود خواهم رویانید و او انصاف و عدالت را در زمین جاری خواهد ساخت.» (۳۰: ۸-۹ و ۳۱: ۳۴ و ۳۳: ۱۵).

بدین‌سان، تصویری شکوهمند از آینده ترسیم می‌گردد، بارقه‌ای در افق نمایان می‌شود و شاید نبی، در حالی از این دورنما سخن می‌گفت که چشمانش از اشک خیس، و بر لبش تبسمی شیرین نقش بود. امروز لبانی که بر رنج جهان بوسه می‌زنند باید به چنین تبسمی آراسته باشند!

آشنایی با فرقه‌های مسیحیت

بخش نهم: نهضت‌های کریزماتیک و کلیساهای غیرفرقه‌ای

تحقیق و نگارش: آرمان رشدی

در شماره گذشته، به بحث در باره نهضت پنطیکاستی پرداختیم و از کلیساهای وابسته به این نهضت نام بردیم. در این شماره به بحث در باره نهضت کریزماتیک خواهیم پرداخت. این بحث برای مسیحیان ایرانی حائز اهمیت بسیار است، زیرا ایشان یا عضو یکی از گروه‌های کریزماتیک هستند یا با این گروه‌ها سر و کار دارند و به‌نوعی در معرض تعالیم آنان قرار دارند. در ضمن، به‌خاطر فعالیت‌های گسترده مبشرین در برنامه‌های ماهواره‌ای، رادیویی و اینترنتی، برای خادمین مهم است که از تفاوت‌های عقیدتی موجود میان تعالیم هر برنامه آگاه باشند.

منشأ نهضت‌های کریزماتیک

عنوان نهضت کریزماتیک از کلمه یونانی "کریزماتا" گرفته شده، به‌معنی "عطیه فیض"، زیرا گروه‌های کریزماتیک معتقد به ظهور و عملکرد عطا‌های روح‌القدس می‌باشند، عطا‌هایی نظیر نبوت، زبانها، شفا، و معجزات.

بحث و توضیح نهضت کریزماتیک بسیار دشوار است و کاری است بسیار پیچیده، چرا که این نهضت عقاید و تأکیدات متفاوت و گروه‌های گوناگون را در بر می‌گیرد. اما آنچه مسلم است، این است که نهضت کریزماتیک در بستر نهضت پنطیکاستی پرورش یافت. نهضت پنطیکاستی گلوله برفی را به حرکت در آورد که اکنون تبدیل به کوهی عظیم شده است. تأکید نهضت پنطیکاستی بر عطا‌ی فوق طبیعی تکلم به زبانها، زمینه را برای پیدایی نهضت‌های کریزماتیک فراهم ساخت.

همانطور که در شماره قبل اشاره کردیم، نهضت پنطیکاستی در سال ۱۹۰۶ آغاز شد. از بطن این نهضت، کلیساهای جماعت ربانی آمریکا در سال ۱۹۱۴ پدید آمد. اما دیری نپایید که شور و حرارت این کلیساها فروکش کرد؛ آنها برای خود اصول اعتقادات (یا الهیات سیستماتیک) تدوین کردند و به‌تدریج از دهه ۱۹۳۰ به بعد، تبدیل شدند به کلیساهایی نهادینه (کلیساهایی با اصول اعتقادی مشخص و تشکیلاتی معین).

در بطن کلیساهای پنطیکاستی و اعطانی بودند که اشتیاق داشتند به همان شور و شوق اولیه باز گردند و به اظهار خودشان، آتش روح‌القدس را شعلهور نگاه دارند. این واعظان کلیساهای نهادینه پنطیکاستی را ترک کردند و برای خود گروه‌هایی مستقل تشکیل دادند که می‌رفت نهضتی را پدید آورد که به نهضت کریزماتیک معروف شد. لذا لازم است توجه خوانندگان عزیز را به این نکته مهم جلب کنیم که هر کلیسایی که در آن به زبانها تکلم می‌شود یا نبوت

صورت می‌گیرد، الزاماً پنطیکاستی نیست، یعنی وابسته به یکی از فرقه‌هایی که در شماره گذشته نام بردیم، نمی‌باشد. امروزه کلیساهای پنطیکاستی دارای تشکیلاتی بین‌المللی هستند و اصول اعتقادی بسیار مشخصی دارند. برای مثال، آنچه که امروز در ایران با نام "کلیسای جماعت ربانی" شناخته می‌شود، هیچ ارتباط عقیدتی و تشکیلاتی با کلیسای جماعت ربانی آمریکا ندارد، و در طول زمان تبدیل شده به کلیسایی کریزماتیک که وجوه مشخص آن را در این مقاله بررسی خواهیم کرد.

وجوه مشخص و مشترک گروه‌های کریزماتیک

همانطور که گفتیم، نهضت کریزماتیک از آغاز پیدایی، شامل گروه‌هایی مستقل بود که الزاماً نه از نظر عقیدتی به هم پیوند داشتند، و نه از نظر تشکیلاتی. اما همه گروه‌های کریزماتیک، در برخی عقاید و نظریات با یکدیگر وجه اشتراک دارند که ذیلاً به شرح آنها پرداختیم.

● تکلم به زبانها: همه گروه‌های کریزماتیک معتقد به تکلم به زبانها هستند. اما باید توجه داشت که اگر پنطیکاستی‌ها تکلم به زبانها را یگانه نشانه تعمیم به روح‌القدس می‌دانند، برخی از گروه‌های کریزماتیک ممکن است آن را تنها یکی از عطا‌های روح‌القدس به شمار آورند.

● عطاها: گروه‌های کریزماتیک همگی بر ظهور عطا‌های مختلف تأکید می‌ورزند، خصوصاً عطا‌های نبوت و شفای الهی. در طول زمان، به اظهار خودشان، خدا عطا‌های دیگری نیز بخشید که الزاماً در کتاب‌مقدس نیامده، نظیر خنده، افتادن در اثر نهادن دست، و ادای صدا‌های خارق‌العاده.

● شفای الهی: گروه‌های کریزماتیک قویاً به این امر معتقدند که بیماری از هر نوع آن، ناشی از گناه یا تأثیر ارواح پلید است و اینکه ایماندار اساساً نباید بیمار شود و اگر هم شد، باید حتماً شفا بیابد. در غیر این صورت، یا ایمانش ضعیف است یا اینکه گناهی در زندگی او هست.

● قدرت ایمان: تأکید عمده کریزماتیک‌ها بر قدرت ایمان است، به این معنی که انسان می‌تواند به شرط ایمان، هر چه را که می‌خواهد به‌دست آورد. ایمان کلیدی است برای رسیدن به برکات روحانی و مادی.

● قدرت گفتار: کریزماتیک‌ها معتقدند که در گفتار و سخنان ما قوتی نهفته است و با اعتراف مثبت، می‌توان به هر چیزی دست یافت و همه شرایط را تغییر داد.

● برکات مادی: یکی از مهم‌ترین تأکیدات نهضت‌های کریزماتیک، این است که ایماندار نباید در فقر زندگی کند، و اگر بکند، یا به‌علت بی‌ایمانی اوست یا به‌علت حضور گناه در زندگی‌اش. به عقیده ایشان، ایماندار باید در ثروت و رفاه مادی زندگی کند، و این خواست خدا برای مسیحیان است.

● مکاشفه مستقیم از روح‌القدس: کریزماتیک‌ها بر این اعتقادند که مستقیماً با روح‌القدس در ارتباط دائم قرار دارند، و اینکه روح‌القدس امور جدیدی را مکشوف می‌سازد که الزاماً در کتاب‌مقدس مکشوف نشده است. یکی از مصادیق این امر، تعلیم بنی هین در خصوص تثلیث است. نامبرده اظهار داشته که طبق کشف جدید روح‌القدس، تثلیث شامل سه شخص نیست، بلکه نه شخص: پدر هم روح دارد، هم نفس و هم جسم؛ پسر و روح‌القدس نیز

به‌همچنین. بنابراین، تثلیث شامل نه شخص می‌گردد. کلیسای جماعت ربانی آمریکا ارتباط خود را با بنی هین به‌خاطر این تعلیم و تعالیم مشابه، نفی کرده است.

● تماس با عالم ماوراء: اکثر رهبران نهضت‌های کریزماتیک ادعا کرده و می‌کنند که با عالم فرشتگان و ارواح پلید ارتباط دارند. برای مثال، ویلیام برنهام اظهار داشته که مسیح او را به عالم بالا برده و مستقیماً او را تعلیم داده است.

● کار جدید خدا در ایام آخر: معلمین نهضت‌های کریزماتیک بر این باورند که روزگار ما قطعاً زمان آخر است و اینکه خدا طبق مکاشفات مسقیمی که به ایشان داده، وعده داده که در این زمان کارهای عظیم و جدیدی در میان بشر انجام دهد. آیات و قوات و معجزاتی که بنا بر اظهار ایشان ظاهر می‌شود، دلیلی است بر این مدعا.

● جلسات پرشور: جلسات کریزماتیک‌ها بسیار پرشور و حرارت است. جلسات همراه است با سرودهای هیجان‌انگیز که شاید بیش از یک ساعت به درازا بکشد. معمولاً تکلم به زبانها با صدای بلند، نبوت، خندیدن، افتادن، و بروز صداهاى خارق‌العاده از شخص نیز این جلسات را همراهی می‌کند.

نکاتی که ذکر شد، وجوه اشتراک گروه‌های کریزماتیک می‌باشد. حال به‌آشنایی با گروه‌های مختلف کریزماتیک خواهیم پرداخت. باید توجه داشت که کریزماتیک‌ها را می‌توان به دو دسته مهم تقسیم کرد: کریزماتیک‌های غیرفرقه‌ای و کریزماتیک‌های فرقه‌ای. اینک به شرح این مطلب خواهیم پرداخت.

کریزماتیک‌های غیرفرقه‌ای

چنانکه در پیش گفتیم، گروه‌های مختلفی از بطن کلیسای پنطیکاستی به‌وجود آمدند که آنها را کلیساهای کریزماتیک می‌نامند. این گروه‌ها کلیساهای مستقلی را پدید آورده‌اند که هیچیک با دیگری مرتبط نیست. مهم‌ترین نهضت‌ها و جریانات کریزماتیک غیرفرقه‌ای از ۱۹۳۰ تا به امروز به شرح ذیل می‌باشد.

نهضت کلام-ایمان

در این گروه (Word-Faith movement) بر قدرت گفتار و اعتراف مثبت و ایمان فرد تأکید گذاشته می‌شود که در این خصوص در بخش "وجوه مشخص" توضیح مختصری دادیم. بنیانگذاران این نهضت افرادی هستند نظیر ای. دبلیو کنیون (E. W. Kenyon)، ارل پالک (Earl Paulk)، کینت هیگن (Kenneth Hagin)، و کینت کولپند (Kenneth Copeland). این افراد چنین تعلیم می‌دهند که کلام مکتوب خدا (کتاب‌مقدس) و کلام گفته‌شده خدا (Rhema) هم‌تراز می‌باشند. "رما" همان کلامی است که خدا در آفرینش جهان به‌کار برد (پیدایش ۱: ۳، ۶، ۱۴، ۲۰، ۲۴). ایشان معتقدند که ایمانداران نیز از همین قدرت (یعنی "رما") برخوردارند و می‌توانند در امور جهان و زندگی دخل و تصرف کنند. بنی هین از بزرگان این نهضت در روزگار ما می‌باشد. این نهضت آموزشگاهی دارد که با همان نام "رما" نامیده می‌شود. اثرگذاری این نهضت بین سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۵ چشمگیرتر بود.

نهیضت "باران آخر"

این نهیضت (The Latter-Rain movement) در واکنش به این ادعا شکل گرفت که کلیساهای پنطیکاستی شور و حرارت روحانی خود را از دست داده‌اند و از نظر روحانی "خشک" شده‌اند. طبق اعتقادات این نهیضت، خدا در این روزهای آخر، به تدریج حقایق جدیدی را بر کلیسا مکشوف می‌سازد که قبلاً در کتاب مقدس مکشوف نشده است. همچنین خدا خدماتی را که در افسسیان ۴:۱۱ ذکر شده، بار دیگر در کلیسا به وجود می‌آورد، یعنی خدمت رسول، نبی، مبشر، شبان و معلم. این رسولان و انبیای امروزی قدرت دارند با نهادن دست، روح القدس و عطاهای او را به دیگران منتقل سازند. نبوت نیز دیگر طبق اول قرنتیان ۳:۱۴، حالت نصیحت و بنا و تسلی ندارد، بلکه از طریق آن، هدایت‌های مشخصی برای زندگی افراد داده می‌شود. در ضمن، حضور آشکار خدا زمانی تجلی خواهد یافت که پرستش به شکلی خاص برگزار شود، پرستشی که شامل تکلم به زبانها با صدای بلند، فریاد زدن، کف زدن، نبوت به شکل سرود، رقص روحانی باشد. کسانی که طبق اصول این نهیضت سلوک می‌کنند، پیش از بازگشت مسیح، به حالت نامیرایی دست خواهند یافت و ایماندارانی که در این کلیساها در حالت پیروزمند زندگی می‌کنند، پیش از بازگشت مسیح، به وحدت عقیدتی خواهند رسید.

رهبران مهم این نهیضت عبارتند از اورال رابرتز (Oral Roberts)، ویلیام برنهام (William Branham)، گوردون لیندزی (Gordon Lindsey). این نهیضت بین سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۸۵ بسیار تأثیرگذار بود.

نهیضت "پسران ظاهر شده خدا"

این نهیضت (Manifested Sons of God) که توسط ویلیام برانهام آغاز شد، بر این اعتقاد است که کلیساهای نهادینه سازمانهایی دنیوی هستند و اینکه رستگاری تنها در حوزه این نهیضت حاصل می‌شود. مهم‌ترین عقیده این گروه این است که می‌گویند مسیح در واقع باز گشته و اکنون در قالب ایمانداران زندگی می‌کند، ایماندارانی که با ماهیت و طبیعت مسیح یکی شده‌اند و عملاً "مسیح‌های کوچولو در جسم" هستند. ایشان این امر را "تجسم مجدد" مسیح تلقی می‌کنند. تأثیرگذاری این نهیضت تا زمان مرگ ویلیام برنهام به سال ۱۹۶۵ ادامه داشت.

نهیضت "شبانی" یا "شاگردسازی"

در این نهیضت (Shepherding or Discipling) که بین سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۶ فعال بود، ایمانداران تحت هدایت یک رهبر قرار می‌گیرند. این رهبر نیز به نوبه خود تحت هدایت رهبران مافوق قرار دارد. در بالای این هرم، یک گروه پنج نفره قرار داشت که متشکل بود از باب مامفورد (Bob Mumford)، چارلز سیمپسون

(Charles Simpson)، درک پرنس (Derek Prince)، دان باشام (Don Basham)، و ارن باکستر (Ern Baxter) (که شاگرد ویلیام برنهام بود). این نهضت در اوائل دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت. واچمن نی، واعظ مشهور چینی، پیرو این نهضت بوده است. فرد دیگری که در ترویج عقاید این نهضت فعال بود و در میان ایرانیان مسیحی به خاطر کتاب مشهور "شاگردی" معروف است، خوان اورتگا می باشد.

از آنجا که هدایتی که رهبران بر ایمانداران اعمال می کردند همراه با کنترلی کامل و سختگیرانه بود و تمام جنبه های زندگی ایشان را فرا می گرفت، به تدریج با اعتراضات فراوان روبرو گردید (برای مثال، شخصی حتی برای تحصیل یا ازدواج خود، می بایست از رهبر خود هدایت بطلد). لذا رهبران آن ناگزیر از تغییر نام این نهضت شدند و آن را با نامهای Mentoring (مربی گری)، Covering (پوشش دادن)، و Covenant Relationship (پیوند مبتنی بر عهد) خواندند.

گروه رهبری پنج نفره در سال ۱۹۸۶ به دنبال اختلافاتی که میان ایشان بروز کرد منحل شد و هر یک از آنها خدمت مستقلی را آغاز کرد. درک پرنس در میان نهضت پنساکولا (Pensacola) هواداران بسیار داشت. تعالیم رایجی نظیر "لعنت و برکت" و "نسبت دادن گناه و بیماری در زندگی ایمانداران به ارواح" و نیز "اخراج ارواح از طریق نهیب دادن و سرفه یا عطسه کردن" از این شخص ناشی شده است. این نهضت هنوز نیز در گروههای جدیدی نظیر "حفظکنندگان عهد" (Promise Keepers) تأثیر چشمگیری دارد و کلیساهای بسیاری کماکان این روش کنترل را اعمال می کنند.

چند نهضت دیگر

در این میان، باید به نهضت "وینارد" (Vineyard) اشاره کرد که توسط شبان جان ویمیر (John Wimber، ۱۹۳۴-۱۹۹۷) آغاز شد و هنوز نیز ادامه دارد و از شعبات متعددی در نقاط مختلف برخوردار است.

همچنین نهضت "خنده" را رادنی هاوارد براؤنی (R. H. Browne) آغاز کرد که به "برکت تورونتو" (Toronto Blessing) نیز معروف است. این نهضت در سال ۱۹۹۴ در کلیسای در تورونتو (کانادا) آغاز شد.

واعظان مشهوری چون کاترین کولمن (Katherine Kuhlman)، تی. ال. اوزبورن (T. L. Osborne)، جیم بیکر (Jim Bakker)، پت رابرتسون (Pat Robertson) و بنی هین (Benny Hinn) نیز از رهبران نهضت هایی هستند که بر شفا و معجزات تأکید فراوانی دارند و با برنامه های تلویزیونی و ماهواره ای خود شهرت فراوان کسب کرده اند.

امروزه تعداد کلیساهایی که خود را کریزماتیک می دانند و وابسته به هیچ فرقه و شاخه های نیستند بیش از حد زیاد شده، خصوصاً در ایالات متحده. این کلیساها یا گروهها هر یک پیرو یک یا چند یا همه عقاید فوق هستند. شنیده شده که مدتی پیش، یکی از مجریان در یکی از برنامه های ماهواره ای، در پاسخ به سؤال بیننده ای در ایران، صریحاً

اظهار داشته که وابسته به هیچ فرقه‌ای نیست و عقاید کلیسایشان نیز آمیزه‌ای است از اعتقادات کلیساها و فرقه‌های مختلف. محتوای برنامه‌های این کانال ماهواره‌ای مشخصاً کریزماتیک است.

گرایشهای کریزماتیکی در کلیساهای نهادینه

اما توجه به عطا‌های روح‌القدس به کلیساهای نهادینه نیز نفوذ کرد. امروزه تقریباً در همه فرقه‌ها و شاخه‌های رسمی مسیحیت (کاتولیک، ارتودکس، لوتری، پرزبیتری، بپتیست، انگلیکن، و متودیست) می‌توان افرادی را یافت که به زبانها تکلم می‌کنند. این امر نخست در کلیسای اسقفی آمریکا (شاخه آمریکایی کلیسای انگلیکن) رخ داد، زمانی که کشیش این فرقه در وان‌نویس (کالیفرنیا) در تاریخ سوم آوریل سال ۱۹۶۰، تکلم به زبانها را ترجمه کرد. گرچه او در آغاز با مخالفت‌هایی روبرو شد، اما چیزی نگذشت که عده بسیاری از اعضای کلیساهای نهادینه این تجربه را به‌دست آوردند، اما کلیساهای خود را ترک نکردند، بلکه تبدیل شدند به اعضای فعال‌تر و وفادارتر فرقه خود. جالب توجه است که این گرایش به کلیسای کاتولیک نیز نفوذ کرد و شورای اسقفان این کلیسا در سال ۱۹۸۷ رسماً این جریان را مورد تأیید و حمایت قرار داد.

وظیفه خادمین و معلمین

همانگونه که در بخشهای نخستین این مجموعه ذکر شد، هدف ما از ارائه این داده‌ها این بوده که خادمین از جریانات حاکم بر مسیحیت امروز و رایج در آن آگاه باشند و بتوانند به اعضای کلیسای خود، تعالیم درست فرقه خود را تعلیم دهند، در ضمن آنکه ایشان را در جریان اندیشه‌های دیگر نیز قرار دهند. امروزه با رواج برنامه‌های مختلف ماهواره‌ای، ایمانداران با تماشای هر برنامه‌ای ممکن است تصور کنند که آنچه می‌شنوند یا می‌بینند، تعالیم همه فرقه‌ها است و به این ترتیب، دچار اغتشاش فکری می‌شوند.

نگارنده قویاً بر این باور است که هر ایماندار باید بداند که به کدام فرقه وابسته است و با تعالیم خاص فرقه خود دقیقاً آشنا باشد، در عین حال که آگاه است که سایر فرقه‌ها یا جریانات چه اعتقاداتی دارند. برای مثال، ایماندار که عضو یک کلیسای پنطیکاستی است، باید بداند کلیسایش در خصوص وقایع زمان‌های آخر و سلطنت هزارساله، یا در خصوص امنیت ابدی در امر نجات، چه اعتقادی دارد. نگارنده معتقد است که ایمانداران نباید در کلیسای واحد، تعالیم گوناگون و متناقضی در خصوص یک نکته واحد بشنوند. این امر بناکننده نیست.

در ضمن، نگارنده آرزو می‌داشت مسئولین برنامه‌های ماهواره‌ای برای بینندگان خود مشخص می‌کردند که وابسته به کدام جریان می‌باشند و از منظر کدام فرقه سخن می‌گویند. برای مثال، شنیده شده که معلمین مختلف در این برنامه‌ها، نظرات متناقضی در خصوص روش غسل تعمید تعلیم می‌دهند و هر یک نیز اظهار می‌دارند که عقیده خودشان درست‌ترین عقیده است. روشن است که چنین روشی باعث سردرگمی بینندگانی می‌شود که اطلاعی از وجود فرقه‌های گوناگون و اعتقادات آنها ندارند.

همچنین، آشنایی با اسامی رهبران نهضت‌های مختلف در آمریکا به خادمین و نیز ایمانداران کمک می‌کند تا به‌هنگام انتخاب کتاب‌های مسیحی، آگاه باشند که هر نویسنده وابسته به کدام جریان می‌باشد و تصور نکنند که نظر نویسنده، نظر ”همه“ فرقه‌های مسیحی است. این امر برای ما ایرانیان بسیار مهم است، زیرا تصور اکثر ایرانیان این است که چون فلان کتاب را یک ”آمریکایی“ یا ”غربی“ نوشته، حتماً معتبرترین است!

تذکر مجدد این نکته در خاتمه این مجموعه ضروری است که ما در طول این مقالات، مطلقاً در قبال هیچیک از این فرقه‌ها یا شاخه‌ها موضع‌گیری نکردیم، بلکه فقط کوشیدیم تا آنجا که توان نگارنده اجازه می‌داد، نظرات هر فرقه یا نهضت را به‌دقت شرح دهیم. اما چنانچه خوانندگان مایل باشند با نقد و تحلیل برخی از این نظرات آشنا شوند، می‌توانند به مجموعه مقالاتی که در شماره‌های ۱۸ تا ۲۹ این مجله، تحت عنوان ”اما تو سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو“ درج شد، مراجعه کنند. در ضمن، در سایت‌های اینترنتی مقالات مفیدی در خصوص زندگینامه و نقد و تحلیل نظرات رهبران این نهضت‌ها موجود است که خوانندگان می‌توانند آنها را از طریق ”جستجو“ پیدا و مطالعه کنند.

در شماره آینده، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری این مجموعه خواهیم پرداخت.

منابع مورد استفاده:

- E. A. Livingstone; Oxford Dictionary of the Christian Church
- The Oxford Companion to Christian Thought
- D. D. Smeeton; The Church: Reformation to Pentecost.
- Gary E. Gilley: The History of the Charismatic Movement

مسیح، مشاور نیک

بخش دوم: مشورت مسیح به افراد ترسان

نوشته کشیش تت استیوآرت؛ ترجمه خانم لیلا طهماسبی

زمانی که ترس، این احساس قوی بشری، وارد زندگی فرد می شود، او را کاملاً تحت کنترل خود در می آورد، تا جایی که شخص حس می کند در معرض خطر بزرگی قرار گرفته و یا حادثه‌ای وحشتناک در انتظار اوست؛ در نتیجه واکنش قلب بالا رفته، تمام حس‌ها حالت آماده باش به خود می گیرند. در چنین شرایطی فرد نمی تواند واقعیت را با حقیقتی که خدا در کلامش اعلام کرده بسنجد، بلکه آنچه را می پذیرد که خود حس می کند. مواقعی که ترس بر ما مستولی می شود، فرصت خوبی است برای اینکه بیاموزیم به مراقبت پر فیض الهی اعتماد نماییم و به وعده‌های او تکیه کنیم. ما که در خدمت مردم بوده ایم، غالباً با افرادی روبرو شده ایم که در چنگال ترس به سر می برند و از ما خواسته شده که مشورت مسیح را به آنها عرضه داریم. سراینده مزمور سالها قبل نوشته است: ”خداوند را به کمک طلبیدم و او مرا اجابت فرمود و مرا از همه ترسهایم رها ساخت“ (مزمور ۳۴:۴).

انواع ترس

بسیار مهم است که انواع ترس و قدرتی که بر روی افراد دارند تشخیص دهیم، تا بتوانیم ایشان را کمک کرده، تسکین دهیم.

گاهی ترس بر ما غالب شده، سراسر وجود ما را فرا می گیرد. من همیشه ترسی از سگ در وجود خود داشته ام. یک روز که به خانه می رفتم، سگ غریبه‌ای را در کوچه خودمان دیدم؛ پس از روی ترس، از راه دیگری به خانه رفتم. ترس من از سگ، واکنشهای مرا کنترل کرده بود.

اما مهم است اشاره کنیم که ترس دیگری نیز وجود دارد که سالم است و باعث هوشیاری و دعوت به رشد می شود. برای من به عنوان کشیشی تازه کار، موعظه کردن وظیفه‌ای ترسناک به نظر می آمد، اما به جای اینکه دعوت به شبانی را ترک کنم، با صرف تلاش بیشتر روی موعظه‌ها، بر ترس غالب شدم. ترس از بیماری ممکن است باعث ورزش کردن و مراقبت بهتر از بدن گردد؛ این نوع ترس، ترسی مفید است.

در عین حال، کلام خدا از ترس دیگری سخن می گوید که با تمامی دل و جان باید طالب آن باشیم و آن خدا ترسی است. ”خدا ترسی به انسان حیات می بخشد و او را کامیاب گردانده، از هر بلایی محفوظ می دارد“ (امثال ۱۹:۲۳). هنگامی که خدا ترسی دل ما را فرا گیرد، دیگر جایی برای بقیه ترسها باقی نمی ماند.

جنبه‌های مختلف ترس

به‌هنگام ارائه مشاوره به فرد جهت فائق آمدن بر ترس، باید توجه داشته باشیم که ممکن است ترس، طرز تفکر شخص را کاملاً منحرف کرده باشد. زمانی که شاگردان مسیح در میان دریاچه طوفانی گرفتار شده بودند، مسیح بر ایشان ظاهر شد، اما آنها نتوانستند او را به‌وضوح ببینند، چرا که گمان می‌بردند او یک روح است. افرادی که اسیر ترس هستند، ممکن است چیزهایی را ببینند که وجود ندارد؛ در چنین مواردی، آوردن هر گونه دلیل منطقی در نظرشان بیهوده است. دژ مستحکم ترس زمانی فرو ریخت که عیسی با دل ایشان سخن گفت.

ترس می‌تواند یکی از دلایل عدم رشد روحانی باشد. «آنانی را که در تمام عمرشان در وحشت مرگ بسر می‌بردند و اسیر ترس بودند، رهایی داد» (عبرانیان ۲: ۱۵). بسیاری نیاز دارند که از ترس از انسان‌ها آزاد شوند. «کسی که از انسان می‌ترسد، گرفتار می‌شود» (امثال ۲۹: ۲۵).

بعضی دیگر نیاز دارند از پیش‌بینی مصیبت‌های آینده بر اساس تجربیات تلخ گذشته، آزاد گردند. اخیراً تجربه بدی با دندانپزشکی داشتم؛ همین که روز نوبت بعدی‌ام رسید، متوجه شدم که می‌ترسم.

همچنین ترس می‌تواند حمله‌ای از سوی شیطان برای فلج کردن ما و جلوگیری از اطاعت خدا باشد. بسیاری از نوایمانان پس از تعمید یافتن با شبهایی طولانی و ترسناک مواجه شده‌اند.

مشاوره به افراد ترسان

به‌هنگام ارائه دادن مشاوره مسیح به افراد ترسان، نه تنها لازم است ریشه‌های آن ترس را بیابیم، بلکه باید بدانیم کلام خدا جهت غالب آمدن بر آن ترس چه می‌گوید.

اعتماد به وعده‌های خدا

ترس بر مبنای دروغ بنا شده است؛ بنابراین، درک حقایق الهی مؤثرترین راه برای خلاصی از ترس می‌باشد. «ولی همه کسانی که به من گوش دهند، از هیچ بلایی نخواهند ترسید و در امنیت زندگی خواهند کرد» (امثال ۱: ۳۳). یک روش بسیار مفید به‌هنگام مشاوره با اینگونه افراد، این است که از آنها بخواهیم فهرستی از آنچه که موجب ترس در آنها می‌شود، به همراه دلیل آن بنویسند. سپس می‌توانید ایشان را در یافتن آیاتی که در رابطه با آن ترسها سخن می‌گویند راهنمایی کنید.

یک بار با خانمی گفتگو داشتم که چون در فقر بزرگ شده بود، دائماً در این ترس به سر می‌برد که پول کافی برای گذران زندگی نداشته باشد. به او پیشنهاد کردم فیلیپیان ۴: ۱۹ را حفظ کند: «خدا نیز به سبب جانبازی عیسی مسیح، تمام احتیاجات شما را با ثروت شکوهمند خود، رفع خواهد نمود.» همینکه شخص باورهای دروغ خود را با حقیقت کلام خدا جایگزین سازد، ترس مغلوب می‌شود.

تکیه به حضور خدا

کلید فوق‌العاده دیگر به‌منظور چیرگی بر ترس، توجه به فرمایش مسیح به شاگردانش می‌باشد آن زمان که در دریاچه طوفانی دچار زحمت شده بودند: ”نترسید؛ من هستم!“ (متی ۱۴: ۲۷). حقیقت این است که تنها حضور مسیح زنده می‌تواند ترس را از قلب افراد ترسان خارج سازد. بنابراین بسیار به جا است به فردی که دچار ترس است، آموزش دهیم چگونه حضور مسیح را تجربه نماید. برای این کار، مؤثرترین روش، پرستش خدا از طریق سرود و دعا است. من همیشه ترسی از قرار گرفتن در جاهای تنگ و بسته در وجودم بوده است و چندی پیش بود که به‌مدت کوتاهی در آسانسور گیر کردم و همان باعث شد بر ترس خود چیره شوم. شروع به پرستش و نیایش خدا کردم و در همان لحظه ترس از روی من بر داشته شد و تازه آنوقت متوجه شدم شخص دیگری که کنار من در آسانسور ایستاده بود، تعمیر کار ساختمان بود! خدا را شکر، خدا نیاز مرا حتی قبل از اینکه از او بخوادم برایم فراهم کرده بود! وقتی خدا را تمجید و ستایش می‌کنیم، در واقع انگار به او نگاه می‌کنیم؛ و او اغلب اوقات مداخله می‌کند و ترسهای ما را بر می‌دارد.

اهمیت خداترسی

کلام خدا همچنین به ما می‌آموزد که خداترسی باعث عقب راندن همه ترسهای دیگر می‌شود. ”کسی که از خداوند می‌ترسد، تکیه‌گاه محکمی دارد“ (امثال ۱۴: ۲۶). انسان از هر آنچه بترسد، تحت فرمان همان قرار می‌گیرد. شخصی که گرفتار ترس شده، باید اعتراف کند که تحت کنترل چیزی به غیر از خدا در آمده است؛ اگر به گناهان خود اعتراف کرده، زندگی‌اش را به خدا بسپارد، خدا قادر است ترسی را که از طرف او نیست، در هم بشکند. از آنجا که من مسافرت در هواپیماهای کوچک را دوست ندارم، بار قبل که لازم شد با یکی از آنها پرواز کنم، به خدا گفتم: ”می‌خواهم ترس تو بر ترسی که از این هواپیما دارم فزونی یابد و خود را به دستهای تو می‌سپارم تا تو از من مراقبت کنی.“ در هواپیما به خواب رفتم و زمانی بیدار شدم که هواپیما فرود آمده بود!

اعتماد به محبت خدا

کلید نهایی دیگری برای غالب آمدن بر ترس وجود دارد. یوحنا رسول می‌نویسد: ”لازم نیست از کسی که ما را بطور کامل دوست دارد، بترسیم. محبت کامل خدا هر گونه ترس را در ما ریشه کن می‌سازد. اگر هنوز می‌ترسیم، علتش اینست که هنوز کاملاً یقین نداریم که خدا حقیقتاً ما را دوست می‌دارد“ (اول یوحنا ۴: ۱۸-۱۹). قسمت اعظم ترس ما در این باور ریشه دارد که چون گناه کرده‌ایم، بدون شک خدا مجازاتی برای ما در نظر خواهد گرفت. محبت نقطه مخالف ترس است. همانطور که یک نور کوچک می‌تواند تاریکی را از یک اتاق بزرگ بیرون کند، محبت خدا نیز ترس را دفع می‌کند. به‌هنگام ارائه مشاوره به عزیزانی که گرفتار ترس می‌باشند، در مورد محبت پدر آسمانی که فرزند خود را به نشانه محبت برای آنها فرستاد تعلیم دهید، و آنها را تشویق کنید که این محبت را دریافت دارند و در سایه فیض و پذیرش الهی زندگی کنند. هیچ دلیلی وجود ندارد که فرزند خدا اسیر ترس باشد.

کلام خدا برای همه

(به مناسبت انتشار کتاب مقدس «مژده برای عصر جدید»)

نوشته خانم ناهید سپهری

دوستان بسیار گرامی، خوانندگان عزیز مجله شبان،

ضمن عرض سلام، تولد عیسی مسیح را خدمت شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم و برای شما خادمین گرامی مسیح، آرزوی سلامتی و موفقیت در زندگی و خدمتتان دارم.

این روزها خبرهای خوش فراوانی پیرامون کار عظیم خدا در میان فارسی‌زبانان می‌شنویم. در نقاط گوناگون دنیا کلیساها و مشارکت‌های مسیحی با سرعت رشد می‌نمایند و کلام خدا را بشارت می‌دهند. خداوند از طریق تلویزیون‌های ماهواره‌ای، رادیوها، اینترنت و... خادمین خود را با عطیه‌های گوناگون ایشان بکار گرفته تا پیام نجات‌بخش مسیح به همگان برسد و نجات در مسیح را تجربه نمایند. «اما چگونه نجات یابند، اگر کلام خدا را نفهمند؟»

درک این نکته ضروری است که زبان، زنده و پویاست و دائم در حال تغییر و تحول است. تغییر و تحولات در زبان باعث می‌گردد که درک و فهم عمیق متون قدیمی‌تر برای نسل‌های جدیدتر به سادگی امکان‌پذیر نباشد. این مسئله و ضرورت فهم کلام خدا، نیاز تهیه ترجمه‌های جدید کتاب مقدس را تشدید می‌کند. بنابراین انجمن‌های کتاب مقدس که بیش از ۲ قرن است به عنوان سازمانی رسمی، متولی ترجمه کلام خدا بوده است، همیشه این را مد نظر داشته تا اطمینان حاصل کند که کلام خدا برای همگان، در همه سطوح و به همه زبانها در دسترس می‌باشد.

نیاز به ترجمه جدید کتاب مقدس به فارسی در حدود چهل سال پیش در انجمن کتاب مقدس ایران مطرح شد و مورد تصویب قرار گرفت. انجیل شریف گام نخستین در راستای پاسخگویی به این نیاز بود. گرچه تقریباً سی سال از عمر انجیل شریف می‌گذرد، اما کماکان به خاطر سادگی و شیوایی متن آن، مورد پذیرش و پسند عام قرار دارد.

در خلال چند سال گذشته، گروه بزرگی از خادمین امین، وفادار و باتجربه، به همراهی متخصصین فن، ثمره تلاشهای خود را در اختیار انجمن قرار دادند تا تمام کتاب مقدس به شیوه انجیل شریف ترجمه و چاپ شود. ثمره این تلاشهای خستگی‌ناپذیر، چاپ کتاب مقدس «مژده برای عصر جدید» در تابستان گذشته بود. در تاریخ ۱۴ اوت ۲۰۰۷ با حضور و دعای تقدیس جمع بزرگی از خادمین خدا در میان فرقه‌های مختلف و نیز نمایندگان سازمانهای مسیحی فعال در بین ایرانیان، این ترجمه **وقف جلال خدا** گردید. کلام خدا در اشعیا ۲۸: ۱۶ می‌فرماید: «ایمانی که استوار است، صبور نیز می‌باشد.» خدا را برای ایمان استوار گروه همکاران در این خدمت صبورانه و بسیار مبارک، صمیمانه سپاس می‌گوییم؛ همچنین از شما عزیزان که ما را در این صبر، با دعای خود همراهی کردید.

ویژگی های این ترجمه

- سادگی و شیوایی: در این ترجمه، سبک نوشتاری انجیل شریف رعایت شده و بنابراین همه می‌توانند به راحتی آن را بخوانند و بفهمند. هدف و تلاش ما بر آن بوده تا بیشتر از واژه‌های فارسی امروزی و در عین حال ساده استفاده کنیم تا خواننده هنگام خواندن کلام خدا، آن را بهتر درک نموده، از آن برکت بیابد.
- سهولت دسترسی: تلاش انجمن بر این بوده است که این ترجمه در همه جای دنیا قابل دسترسی باشد. انجمن‌های محلی کتاب‌مقدس در کشورهای گوناگون و نیز سازمان‌های مسیحی ایرانی و کلیساها، عهده‌دار توزیع آن شده‌اند.
- کیفیت چاپ: این کتاب از نظر حروف‌چینی، استفاده از کاغذ مخصوص چاپ کتاب‌مقدس، جلدسازی و سایر امور مرتبط با چاپ، دارای کیفیتی بسیار بالا می‌باشد.
- بهای نازل: به منظور این که همگان توانایی خرید و تهیه کلام خدا را داشته باشند، تلاش نمودیم تا قیمت آن در پایین‌ترین سطح ممکن نگاه داشته شود.
- ۱۲ نقشه‌رنگی: نقشه‌های رنگی در انتهای این کتاب، خواننده را کمک می‌کند تا درک بهتری از جغرافیای کتاب‌مقدس داشته باشد. این نقشه‌ها، دقیق‌ترین در نوع خود می‌باشند.
- اطلاعات مفید انتهای کتاب: آیات انتخابی مفید برای بشارت، فرهنگ واژه‌ها، آشنایی با کتاب‌مقدس، جدول تاریخی کتاب‌مقدس، تقویم عبری، عیدها و روزهای ویژه در کتاب‌مقدس و نیز جدول واحدهای اندازه‌گیری، به خواننده کمک می‌کنند تا کلامی را که می‌خوانند، بهتر درک کنند.

کتاب‌مقدس الکترونیک

همزمان با مراسم تقدیس و تحلیف ترجمه جدید کتاب‌مقدس، نسخه الکترونیک آن نیز برای پخش آماده شد. به این ترتیب، تمام ترجمه‌های فارسی کتاب‌مقدس شامل ترجمه‌های قدیم، تفسیری و مژده برای عصر جدید، به همراه چندین ترجمه انگلیسی، بر روی یک CD آماده پخش گردید. اکنون این امکان به صورت رایگان در دسترس همه از طریق تارنمای زیر قرار دارد. این نرم افزار قوی و در عین حال ساده، به کاربر امکان جستجو و کپی نمودن بخش مورد نظر را می‌دهد و دیگر لزومی به تایپ آیات مورد نظر در تهیه دروس، موعظه و بروشورهای کلیسایی نیست؛ بلکه آیات به آسانی قابل کپی کردن در برنامه‌هایی مانند MS-Word می‌باشد.

<http://www.crosswire.org/~refdoc>

نحوه تهیه و سفارش

بهترین راه برای تهیه کتاب مقدس و انجیل، تماس با انجمن‌های کتاب مقدس محلی می‌باشد. از آن جهت که این ترجمه اکنون در اختیار بیشتر سازمان‌های مسیحی و کلیساهای محلی نیز قرار گرفته است، برای تهیه آن می‌توانید با این عزیزان نیز تماس بگیرید.

در نظر داشته باشید که این ترجمه بین فارسی‌زبانان به نام «مژده برای عصر جدید» و در میان انجمن‌های کتاب مقدس به (TPV (Today's Persian Version معروف می‌باشد. چنانچه در تهیه این ترجمه دچار مشکل شدید، لطفاً با اینجانب تماس بگیرید، من و همکارانم با خرسندی در خدمت خواهیم بود. چنانچه کلیسا و یا سازمان شما سفارش مخصوصی دارد، خوشحال خواهیم شد در این زمینه با هم خدا را خدمت نماییم.

در انتها از شما عزیزان تقاضا می‌کنم با دعاها و نظرات خود انجمن کتاب مقدس را یاری نمایید تا در خدمت خود و تجهیز ایمانداران بتواند مؤثرتر واقع شود.

راههای تماس با اینجانب:

nahidsephri@yahoo.com

تلفن ۴۵۲-۱۴۶۲ (۶۰۹) ++۱

304 Emmons Dr., # 5B
Princeton, NJ 08540
USA

در محبت مسیح خداوند

ناهید سپهری

اعلانات

- "فریادی از ایران" فیلمی است در باره زندگی و خدمات کشیش هایک هوسپیان، ساخته پسر بسیار هنرمند ایشان، آقای ژوزف هوسپیان. این فیلم را می‌توانید از سایت www.hovsepian.com تهیه بفرمایید.
- مؤسسه "انتشارات خدمات جهانی فارسی‌زبانان" در سالهای اخیر کتاب‌های مفیدی منتشر کرده است. جهت اطلاع از عناوین این کتاب‌ها و سفارش آنها، می‌توانید به سایت www.persianwo.org مراجعه بفرمایید.

پتھان